



تحقق گردشگری سد

در استان بخش خصوصی

از شهر ساری در استان مازندران تا چهل کیلومتر به سمت جنوب از توابع بخش دودانگه جاده‌ای را باید طی کرد که اطرافش روستاهای کوچک و بزرگ زیادی است و روستای افرجال یکی از این روستاهاست که به سد سلیمان تنگه راه دارد سدی که آب رودخانه تجن را هدایت می‌کند و به شالیزارها می‌فرستد این سد به نام شهید رجایی نیز شهرت دارد. ارتفاع این سد که سال ۷۵ ساخته شد، ۱۳۸ متر و طول آن ۴۲۷ متر است و دریاچه‌ای با حجم حدود ۶۰ میلیون مترمکعب در پشت آن و در مسیر رودخانه تجن ایجاد شده است. مجموعه تفریحی و اقامتی و گردشگری که در کنار رودخانه و نیود مراکز گردشگری متنوع در پیش ساخته شد در واقع کارکنان کارگاه سد در این مکان اقامت می‌کردند و از اساس برای آنها ساخته شده بود تا اینکه یکی از سرمایه‌گذاران حوزه گردشگری به دلیل قرارگیری این مجموعه در کنار رودخانه و نیود مراکز گردشگری متنوع در ساری این مجموعه اقامتی را بازسازی کرد.

مقایسه امکانات شهرستان‌های استان مازندران نشان می‌دهد که بیشترین زیرساخت‌های گردشگری از شهرستان بابلسر تا استان گیلان ایجاد شده‌اند و از بابلسر تا شهرستان‌های نزدیک به استان گلستان کمترین مراکز تفریحی و اقامتی و گردشگری وجود دارد. بنابراین ایجاد چنین مرکزی می‌تواند ضمن سوداوری و اشتغال‌زایی، زیرساخت‌های گردشگری این منطقه را نیز تقویت کند.

تا چند سال دیگر به این مجموعه امکانات گردشگری دیگری مانند تله کابین و … اضافه می‌شود تا در اختیار گردشگران قرار گیرد. الان هم ساروی‌ها به این مجموعه می‌روند اما هنوز در میان آنها شداخته‌اند نیست این مجموعه تفریحی نیز هنوز آفتور که باید کامل نشده تا بتواند خدمات مناسبی ارائه کند. تکمیل این طرح سرمایه گذاری نیازمند مشارکت مسئولان استانی و تکمیل طرح‌های گردشگری سرمایه‌گذار است.

حالا این سرمایه‌گذار قراراست در بندر ترکمن نیز یک مجموعه گردشگری با ۵۰۰ میلیون دلار و همکاری سرمایه‌گذاران کشور ترکیه ایجاد کند که در سطح ملی مطرح شود.

مجموعه گردشگری سد سلیمان تنگه نه تنها به جنبه جنگل‌های دوهزار راه دارد بلکه می‌توان با فاصله‌ای کوتاه به شهر تاریخی کیاس نیز رفت. شهری که هنوز در آن می‌توان خانه‌های چوبی و گلی قدیمی را پیدا کرد که در آنها زندگی جریان دارد. خانه‌هایی چوبی با سقف شیروانی زردکی که خیلی از آنها فرسوده و خراب شده‌اند و در برخی دیگر از این خانه‌های قدیمی هنوز نسل قدیم زندگی می‌کنند و آنها که از این شهر رفته‌اند خانه خود را قفل زده و رها کرده‌اند برخی دیگر هم دامنگیر ساخت و سازهای غیرهمگون با محیط‌شده‌اند و به خیالشان آپارتمان‌هایی ساخته‌اند که جدید باشد درست کنار بناهای قدیمی که هر گردشگری می‌پسندد کنار آنها تصویر یادگاری بگیرد و از این تناقض آشکار بین خانه‌های جدید و قدیم اظهار تأسف کند.

پیش از این در خرداد سال ۹۸ وزیر میراث فرهنگی که در آن زمان رئیس این سازمان بود با وزیر نیرو تفاهمنامه همکاری مشترک در راستای توسعه فعالیت‌های گردشگری در حاشیه سدها را امضا کرد. در این برنامه وزیر نیرو گفته بود که به دنبال بهره‌مندی از فعالیت بخش خصوصی برای تقویت گردشگری در محدوده سدها هستیم. این تفاهمنامه قرار نیست به عکس گرفتن ختم شود بلکه از فردا اجرایی خواهد شد و با همکاری استانان تابستان امسال نتایج آن مشخص می‌شود. اکنون بیش از یکسال از این تفاهمنامه گذشته اما تنها چیزی که از آن باقی ماند همان عکس یادگاری بود.

بخش خصوصی فارغ از تفاهمنامه‌های موجود قصد دارد تا ۵۰ میلیارد تومان در این مجموعه ۶ و نیم هکتاری سرمایه‌گذاری کند و آن را تا ۲۵ سال تکمیل نشده دارای اقامتگاه‌های متفاوتی است از ویلاهای اختصاصی گرفته تا لاجپق‌های چوبی. کنار رودخانه‌ای که از داخل این مجموعه می‌گذرد یکصد لاجپق آهنی نیز قرار گرفته که سرمایه‌گذار قصد دارد آنها را جمع‌آوری کند تا منظره رودخانه بهتر دیده شود. پرورش ماهی و سفره‌خانه‌ای که به تازگی آغاز به کار کرده امکانات دیگر این مجموعه است که در آینده تکمیل خواهد شد. گردشگران این مجموعه هنوز نمی‌توانند از تاج سد سلیمان تنگه پس از گذر از جاده‌های باصفا دیدن کنند چون هنوز برای حضور گردشگران ایمن سازی نشده است. در هر حال این مجموعه یکی از ظرفیت‌های گردشگری افرجال است که می‌تواند به جذابیت‌های شهر ساری اضافه شود و گردشگرانی را به سمت خود جذب کند که خواهان دیدن این مناظر بکر به همراه شالیزارهای نزدیک به آن است.

فرهنگ و هنر

شماره ۲۰۲۲

از تلو تا ترامپ در عمومی‌سازی حوزه خصوصی

این روزها گسترش فضای مجازی علی‌الخصوص اینستاگرام، الگوهای جدیدی را وارد فرهنگ ما کرده که بعضاً در سازوکار فرهنگی ما نمی‌گنجد. نبود بستر فرهنگی مناسب برای گسترش این نوع ارتباطات و خلاء آموزش درست در برخورد با رسانه‌های جدید معضلاتی را ایجاد کرده که به مرور زمان بیشتر با آنها درگیر می‌شویم.
در این خصوص گفت‌وگویی با خانم «سارا ساسانی»، مدرس جامعه‌شناسی عکاسی و دانش‌آموخته‌ی جامعه‌شناسی و پژوهش‌هنر، داشتیم که در ادامه می‌خوانید:

اناسا در روال معمول افراد به واسطه‌ی مهارت، تخصص یا موفقیتی که به دست آورده‌اند به شهرت می‌رسند. اما امروزه این روند معکوس طی می‌شود و شهرت، نشان دهنده موفقیت افراد است. این نقض از کجا حاصل می‌شود؟

ما یک حوزه عمومی داریم و یک حوزه خصوصی. هابرماس مقایسه‌ای بین حوزه خصوصی و عمومی می‌کند و حوزه عمومی را جایی تعریف می‌کند که ما در آن به عنوان شهروند حضور داریم. جمع‌هایی که افراد در آن تبادل اطلاعات، اتفاقات و اخبار می‌کنند. اما امروز حوزه عمومی فضای واقعی تبدیل به حوزه عمومی مجازی شده است. یعنی ما هر روز در این فضای مجازی به مثابه فضای عمومی واقعی حضور داریم. یکی از کاربرهای اینستاگرام نوشته بود «حالا اینستاگرام برای من شبیه کافه‌هایی است که عصرها می‌رفتم». شخص در آن واحد می‌تواند چندین دوست را در چند جای مختلف ببیند. ما با یک بستری مواجه شدیم که به شدت دموکراتیک است. یعنی همه افراد شانس مساوی برای حضور در این فضا دارند

و دیگر اهمیتی ندارد چه کسی پولدارتر است یا امکانات بیشتری دارد. از طرفی قدرتی که در آن نفوذ دارد از بالا به پایین نیست و تک تک افراد در آن جریان ساز هستند. حاکمیت‌ها خیلی توان اعمال نفوذ و هدایت عموم مردم را ندارند. بر خلاف رسانه‌های ملی که به شدت محدودیت دارند، هر چیزی در آنها قابل پیش‌نیست و جریان‌های مخالف در آنها جایی ندارند، این فضا گفتمان متفاوتی ایجاد می‌کند و مردم را به کنشگری در جامعه مجازی وا می‌دارد، به اقلیت‌ها فضای حضور و بیان عقیده و گسترش گفتمان می‌دهد. البته ما این میزان را حرکت یا جایجایی مرزهای فرهنگی را در فیسبوک نشان‌دیشیم در حالی که اینستاگرام این مرزها را به شدت جابجا کرده است.

چرا شما این رسانه را دموکراتیک میدانید؟
این رسانه را به لحاظ کثرت افراد، قابل دسترس بودن برای همه، ارتباط دوسویه، قابلیت کنشگری و ایجاد همه و مسائلی از این دست دموکراتیک‌گفتم. برای مثال موجی که بعد از قتل رومینا ایجاد شد که یک موج رسانه‌ای بود که به واسطه مردم گسترش یافت. نمونه دیگر مراسم خاکسپاری مرتضی پاشایی است که به قدری حیرت‌آور بود که از آن به عنوان «پدیده پاشایی» نام می‌بردند. امثال رومینا اشرفی پیش از این هم در جامعه وجود داشته‌اند اما این کنش‌گری مردم بود که رومینا را متمایز کرد.

اتفاقی که اینجا رخ می‌دهد عمومی سازی فضای خصوصی است. یعنی ما فضاهای خصوصی دنیای واقعی را که پیش از این جایی فرصت بروز نداشت را منتشر می‌کنیم. نه تنها من منتشر می‌کنم بلکه تو هم هم‌رزسانی می‌کنی، لایک می‌کنی، نظر می‌دهی و در نهایت تقلید می‌کنی. این میان ما دائماً در حال مدیریت کردن خود هستیم.

مدیریت به چه معنا؟

به این معنا که ما دائماً با نمایش نوع پوشش، فضای عکاسی، سفری که می‌رویم، شامی که

بخشی‌ها هم در انتخاب یک «رمان» خوب و امتحان پس داده مشکل دارند، در این جا چند رمان محبوب و مطمئن را گذاشتیم تا با خیال راحت بخرید و بخوانید.

بازمانده روز

«بازمانده روز» سومین کتاب نوشته کازئو ایشی گورو نویسنده انگلیسی‌زایی است که در سال ۱۹۸۹ موفق شد جایزه بوکر را از آن نویسنده اش کند. همانند دو رمان پیشین ایشی گورو، «بازمانده روز» هم از زبان اول شخص روایت می‌شود.

آقای استیونز، راوی داستان، سرپیش خدمت خانه‌ای اشرافی در انگلستان است که خاطرات زندگی گذشته اش را در خلال اتفاقاتی که هم اکنون روی می‌دهد بازگو می‌کند. رمان خیره‌کننده‌ی ایشی گورو، داستان عاشقانه‌ای همزمان ناراحت‌کننده و خنده‌آور، تأملی عمیق بر شرایط حاکم بر انسان مدرن، و مرئیهای برای انگلستان در زمان تغییرات سرنوشت ساز است.

در میان نقش‌ها

آخرین رمان ویرجینیا وولف، بانوی رمان نویس، مقاله نویس، ناشر، منتقد و فیمنیست انگلیسی است. نگارش این رمان، هم زمان با جنگ داخلی اسپانیا و به قدرت رسیدن هیتلر در آلمان بوده است.



درست می‌کنیم و لحظه به لحظه زندگی‌مان را برای مخاطب مدیریت می‌کنیم.
درواقع نوعی کاراکترسازی می‌کنیم و ممکن است چیزی را نمایش بدیمه که واقعی نیست. من می‌توانم از خود یک آدم فانتری شاد همیشه موفق بسازم در صورتی که شایدیک دهم زندگی من به این شکل باشد. پس با این امر عمومی‌سازی مسائل خصوصی، با توجه به نوع کشورمان، مرزهای فرهنگی به شدت جا بجا شد و عقب رانده شد.
شاید حتی اصلاً دیگر مرزی وجود نداشته باشد می‌توان گفت ریشه‌های این مسئله از فیسبوک شروع شد و با اینستاگرام به اوج خودش رسید. مسئله موثر بعدی در جامعه، ظهور سلبریتی‌ها است.

اصلاً سوپرستاره‌ها از قبل کجا بودند؟ ستاره‌های هالیوود، ابوالفضل پورعرب، نیکو کریمی، فردین، تختی.

همیشه در طول تاریخ کسانی بودند که به لحاظ رفتار و منش یا مهارت و استعداد، متفاوت بوده‌اند. این‌ها تبدیل به ستاره‌ها می‌شدند. آدم‌های شاخصی که یکسری دنباله رو و پیرو داشتند. این‌ها بیشتر سرمایه نمادین دارند. به نوعی مقبولیت دارند. مثلاً اگر نوید محمدرزاده نظری بدهد برخی آن را تایید می‌کنند. خیلی از ما با نظر این افراد رای دادیم. پس بنابراین کسانی که این سرمایه‌های نمادین را دارند طبیعتاً سرمایه‌ی اجتماعی‌شان بیشتر از بقیه خواهد بود. پیش از این سینما و تلویزیون این اشخاص را معرفی می‌کردند. اما با بروز این رسانه‌ی دموکراتیک من هم می‌توانم تبدیل به ستاره بشوم. دیگر لازم نیست من هم عضوی از سینما باشم یا نبوغ خاصی داشته باشم. همین حالا بی نهایت کم‌دین در فضای مجازی داریم که تبدیل به ستاره شده‌اند. حالا ما چون با رسانه‌ی متکثر (کثرت‌گرا از حیث فعالیت همه افراد) مواجه هستیم، اندیشمندان یا لایه‌های یک خرده‌سلبریتی یا سلبریتی کوچک شویم. مثلاً اگر یکی از همین اینفلوئنسر‌ها مخاطبانش را از دیدن کسوف منع کند، دیگر کسی کسوف را نگاه نمی‌کند. هر حرفی سلبریتی‌ها بزنند ما به عنوان کاربر دنبال می‌کنیم.

به نوعی از اینفلوئنسر تبدیل به بازاراباب و دلال می‌شوند؟

بله من آا عجیبی داشتیم که می‌گفت در فضای مجازی ۱۱ درصد مردان دلال هستند و ۷۰ درصد زنان مشغول دلالی و تبلیغات هستند. نکته جالب این بود که آمار متعلق به زنان خانه‌دار فعال در فضای مجازی است. این افراد حالا در قبال یک استوری حداقل ۵۰۰ هزار تومان می‌گیرند و اگر فقط روزی یک استوری بگذارد ماهانه ۱۵۰ میلیون درآمد خواهند داشت. بعد مخاطب با خودش فکر می‌کند چطور یک خانم خانه‌دار به راحتی می‌تواند این میزان درآمد داشته باشد؟ اینها به وسیله یک ابزار و یک رسانه‌ی فراگیر به این سبک زندگی می‌رسند. کسی‌ها مثل همین تازه عروس‌ها که



زندگی بسیار فانتری‌ای دارند، صرفاً بخش جذاب زندگی خود را نمایش می‌دهند و به تدریج اسبک زندگی آن‌ها تبدیل به سبک زندگی فراگیر می‌شود. برای مثال از یک زمانی به بعد شما در بازار فقط لوازم خانگ آبی و صورتی گلگلی می‌بینید. پس در تمام این سه دسته تمام فعالیت‌ها جنبه نمایشی دارد.

فعالیت ستاره‌ها بر اساس نظریه «جنبه نمایش» است. همین تکیه بر جنبه نمایشی باعث می‌شود سلبریتی‌ها مبتذل به نظر برسند. اما واقعاً این‌طور است که سلبریتی‌ها مبتذل هستند یا حضور پررنگ افراد مبتذل در مرکز توجه، قشری از مردم را نسبت به ستاره‌ها بدبین کرده؟

نمی‌توان همه ستاره‌ها را مبتذل نامید. عده‌ای از آنها هستند که بعد از کسب سرمایه اجتماعی به فعالیت‌های خیریه دست می‌زنند و اقدامات مفید برای جامعه می‌کنند. نمی‌توان گفت تماماً مبتذل هستند اما به هرحال شهرت مجازی این آسیب را دارد که تو در نهایت برای دیده شدن باید بخشی از خودت را به نمایش بگذاری تا فالوور داشته باشی. این‌ها بیشتر سرمایه نمادین دارند. به نوعی مقبولیت دارند. مثلاً اگر نوید محمدرزاده نظری بدهد برخی آن را تایید می‌کنند. خیلی از ما با نظر این افراد رای دادیم. پس بنابراین کسانی که این سرمایه‌های نمادین را دارند طبیعتاً سرمایه‌ی اجتماعی‌شان بیشتر از بقیه خواهد بود. پیش از این سینما و تلویزیون این اشخاص را معرفی می‌کردند. اما با بروز این رسانه‌ی دموکراتیک من هم می‌توانم تبدیل به ستاره بشوم. دیگر لازم نیست من هم عضوی از سینما باشم یا نبوغ خاصی داشته باشم.

فرهنگ ما چه فرقی با غربی‌ها دارد؟
من تجربه فرهنگ غربی را ندارم اما یک سری مسائل برای جوامع غربی متفاوت است. در آنجا یک خانم هنگام خروج از خانه حتی شاید موهایش را شانه نکند. اما در فرهنگ ما متفاوت است و حضور در هر مناسستی شکل خاص خودش را دارد. باید اضافه کنم وقتی رسانه دموکرات می‌شود و لایه‌های پایین موجه جامعه را ایجاد می‌کنند، توقع نداشته‌باش متخصصین، اندیشمندان یا لایه‌های فرهیخته جامعه تن به این فضا بدهند. معمولاً جنبه نمایشی پیچ این افراد خیلی کم است. مثلاً یک آرتیست، مثل یک اینفلوئنسر، تعداد فالوور زیادی ندارد چون اصلاً کارش در فضای واقعی تعریف می‌شود و در محیط اینستاگرام نمی‌گنجد. اصلاً از طریق دیگری کسب درآمد می‌کند و نیازی به فالوور ندارد.

چه خلایق در جامعه بوده که باعث شده امیر تتلویی که فراخوان تشکیل حرمسرا می‌دهد میلیون‌ها فالوئر دارد؟

ما در حال حاضر فرهنگ غنی‌ای نداریم. یکسری اسناد از دوران قدیم داریم. از دوران هخامنشی کتیبه داریم اما اینها همه متعلق به تاریخ است. چیزی که ما در دوران معاصر با آن مواجهیم، چیزی نیست که در تاریخ ذکر شده یا در گذشته باشد. این ضعف از خوراک فرهنگی است که به مردم داده شده، از ضعف روشنفکران جامعه و فقر اقتصادی ماست. وقتی فقر اقتصادی باشد تو دیگر کتاب را در سبد کالایت نمی‌گذاری.

بنظر شما اگر همین امروز محدودیت قانون اعمال شود که نباید با کودکان تبلیغ کرد، موج مخالفی علیه آن شکل نمی‌گیرد؟
خب کنار قانون باید فرهنگ آن نیز ایجاد شود. قرار گرفتند. این کارخانه سلبریتی سازی هرروز فرهنگ سازی، ساخت یکسری برنامه و یکپج‌های آموزشی برای چگونگی برخورد با فضای مجازی یا نوجوانان شود. اما ما برعکس عمل می‌کنیم و فقط از ابزار سلیبی استفاده می‌کنیم و منع می‌کنیم.

من برگردم به سوالم در باره دموکراسی، با پدیده‌ای مواجه هستیم در غرب که بعد از جنگ جهانی آمریکا شروع به تأسیس کمپانی‌های فیلم‌سازی و گسترش رسانه‌ها می‌کند. مصداق بارز آن هالیوود است که سرمایه عظیمی در آن جریان داشت و همه بازیگران از اروپا و سراسر آمریکا در آن جمع شدند و به شدت تحت حمایت قرار گرفتند. این کارخانه سلبریتی سازی هرروز فعالیتش را گسترش می‌دهد تا در نهایت روی ذائقه مردم اثر مستقیم بگذارد. به این وسیله برای مشارکت‌های سیاسی هم جامعه را راحت‌تر کنترل می‌کنند. مثلاً پرنسد داپانا مهره سیاسی بود که تبدیل به سلبریتی شد که حتی بعد از خارج شدن از خاندان سلطنتی محبوبیت زیادی داشت. نمونه دیگر ریگان است، هنرپیشه هالیوودی که بعد روی صندلی ریاست جمهوری تکیه زد. دونالد ترامپ هم قبل از ورود به سیاست، یک سرمایه‌دار سلبریتی بوده‌است. اما حالا ما نمونه ضعیف‌تر این ایده را در ایران می‌بینیم. سلبریتی‌هایی که به واسطه محبوبیت راه هموارتری برای ورود به عرصه سیاسی دارند مانند هادی ساعی، عباس جدیدی و حسین رضا زاده. نظر شما درباره این روند چیست؟

وقتی ترامپ به عنوان یک عنصر اقتصادی وارد سیاست می‌شود یعنی این روند حتماً جواب داده است. اما اینکه این کار اخلاقی است یا نه بحث دیگری است. این روندی که شما می‌گویید حاصل جامعه سرمایه داری است. جامعه سرمایه داری با این ترغیب‌ها مردم را دچار محدودیت می‌کند، الگویی به عنوان سلبریتی ارائه می‌دهد و در نهایت از آن استفاده ابزاری یا اقتصادی می‌کند. مصرف‌گرایی را به این واسطه گسترش می‌دهد. از فروش کلی‌اشانه که تولید کرده برای تهیه برند و فروش کالا استفاده می‌کند. این روند البته طبیعی است. مصرف‌گرایی از فاکتورهای اصلی جامعه سرمایه‌داری است. قرن نوزدهم تکنولوژی وارد شد، کارخانه‌های کشورهای سرمایه دار تولید مازاد داشتند و برای فروش آن دنبال بازار مصرف بوده‌اند. سوغات غربی‌ها برای ما مصرف‌گرایی بوده است.

تللو آن‌قدر در تنمای شهرت است که هر تلاشی کرده و به هر چیزی که می‌توانسته است آویزان شده است. آیا فقط نوع برخورد مسئولین فرهنگی می‌تواند همچنین پدیده‌ای را تولید کند یا مسبب اصلی این جمع اضداد، شهرت طلبی درونی فرد است؟

چراکه نه، همه ما در زندگی با تضادهای بسیاری مواجه هستیم. مسئله این جاست که ما می‌توانیم این تضادها را کنترل کنیم یا بپذیریم. کسی مثل تللو خیلی وقت‌ها از همین تضادها برای شهرت استفاده می‌کند. البته امیر تتلو یک پدیده است که باید از جوانب مختلف به آن پرداخت.

در نهایت فکر می‌کنید راه‌حل این نقض فرهنگی عظیمی که امروز داریم چیست؟
من فکر می‌کنم آموزش ندیدن و نداشتن مقدمات آموزشی علت این نقض است. هر تکنولوژی‌ی که وارد ایران شد، هیچ آموزشی همراه نداشت. قبل از اینکه ابزاری وارد شود باید آموزش مناسب آن هم ارائه شود. متأسفانه در اینجا‌نه تنها قبل از ورود آموزشی نداریم، بلکه بعد از آن هم به فرهنگ‌سازی فکر نمی‌کنیم. بعد از اینکه آسیب‌ها دیده شد روش‌های منع و سلب به کار گرفته می‌شود.

از خرید و خواندن این رمان‌ها پشیمان نمی‌شوید

«رودین» اولین رمان ایوان تورگنیف است. او نوشتن این رمان را در سال ۱۸۵۵ آغاز کرد و برای اولین بار در سال ۱۸۵۶ در مجله ادبی سوورمیک به چاپ رساند. تورگنیف بر آن است که در شخص رودین نسل جوان آرمان پرست را به نمایش درآورد؛ نسلی که دلبسته فلسفه‌ای نسبتاً میان تهی است. داستان «رودین» بیانگر زندگی یک انسان روشنگر و در عین حال بی ثمر در دوران تقابل فرهنگ ارباب و رعیتی با انقلاب‌ها، شورش‌ها و جنبه‌های سیاسی است.

مرگ قسطی اثر لویی فردینان سلین

«هرگ قسطی» دومین رمان لویی فردینان سلین، نویسنده بزرگ فرانسوی در سال ۱۹۳۶ منتشر شده است. «مرگ قسطی» کتابی است که در آن سلین از سختی‌های روزهای کودکی‌اش می‌گوید.

روایت تلخ و گزنده ای که او در زندگی شخصیت های طبقه متوسط رو به زوال پاریس دارد؛ مخاطب را به نقطه ای می رساند که به گزندگی زبان عادت می کند و حتی به نویسنده حق می دهد، طوری که انگار نوک پیکان همه این خشونت رو به خواننده است. سلین معتقد است کار نویسنده گفتن حقیقت است؛ حال هر قدر تلخ و گزنده

اخبار

به مناسبت میلاد حضرت معصومه (س)

هشتمین نمایش از سری نمایشهای عروسکی قندک و نبات تولید شد
همزمان با ولادت حضرت معصومه (س) و به مناسبت روز دختر هشتمین نمایش عروسکی از سری نمایشهای قندک و نبات تولید شد.

به گزارش امتیاز، این نمایش عروسکی با عنوان روز فرشتگان و با محوریت روز دختر در فرهنگسرای رازی تولید و آماده انتشار در فضای مجازی شده است.

قندک و نبات دو عروسک با مزه هستند که در قسمتهای مختلف به آموزش نکات اخلاقی و… با زبان ساده به خردسالان می‌کنند.

در آخرین قسمت از این سری نیز این دو عروسک دوست داشتنی که در حال تبدیل شدن به یک نشان برای فرهنگسرای رازی هستنداز صفحه تلفن همراه به مهمانی منازل کودکان می‌آیند و منزلت حضرت معصومه (س)و روز دختران را بیان می‌کنند.
علاقه مندان می‌توانند برای دیدن نمایش عروسکی مذکور به اینستاگرام فرهنگسرای رازی به ادرس farhangsara_razi یا کاتال آپارات منتقله به ادرس www.aparat.com/razi و در farhangsara_razi منتقله به ادرس farhangsara_razi منتقله به ادرس farhangsara رازی منتقله به ادرس farhangsara_razi رازی کسب اطلاعات بیشتر با تلفن ۵۵۴۲۰۵۸۵ تماس بگیرند.

اشتباه بازه نویسنده مطرح اپرنوید؛

عناصر گیم وارد رمان تاریخی شد
جان بوین، نویسنده‌ای که برای رمان «پسر با پیژامه ارمراه» در سال ۲۰۰۶ حسایی تحسین شد و جوایز مختلفی را از آن خود کرد، تصدیق کرده که یک جستجو در گوگل باعث شد او به صورت اتفاقی و از روی اشتباه از شخصیت هیولاهای یک بازی ویدیویی محبوب یعنی «افسانه زلدا: نفس وحشی‌ها» در رمان جدیدش استفاده کند.

داستان رمان جدیدی با عنوان «مسافری در دروازه‌های دانش» در سال اول پس از میلاد مسیح آغاز می‌شود و ۲ هزار سال بعد به بازمی‌رسد و یک راوی و خانواده‌اش را دنبال می‌کند. در یک بخش، راوی می‌خواهد آتیل‌ها ن را مسموم کند و از اقلامی استفاده می‌کند که شامل «تخم چشم اوکتوروک» و «دم لیزالفوس قرمز و چهار چارچ هیلیان» می‌شود.

دینا شوارتز نویسنده در توییتر با کشف این اشتباه توضیح داد: «اگر این اقلام به نظران عجیب می‌رسند به خاطر این است که مستقیم از بازی زلدا بیرون آمده‌اند.»

او نوشت: «آیا این یادبودی از این بازی است؟ نکته پنهان جالبی است؟ ولی کتاب بوین فانتری نیست، یک درام تاریخی جدی است که داستان آن در دنیای واقعی اتفاق می‌افتد.»

شوارتز نوشت که بوین احتمالاً جستجویی در گوگل انجام داده تا ببیند چطور می‌توان لایبی را قرمز کرد و تصادفی با سائیتی مواجه‌شده که دستور ساخت رنگ قرمز را در این بازی توضیح می‌دهد. وی افزود: «او تصادفی سائیتی را پیدا کرد که اعضای بدن هیولاهای یک بازی را رنگ کرده بود و به اشتباه آن‌ها را داخل یک کتاب خیلی قرار داد. من به جای او خیلی خجالت می‌کنم، البته چنین اشتباه‌هایی کابوس خودم هم هست، اما خیلی هم بازه‌ها است.»

او اضافه کرد: «به هر حال بگذارید این درسی برای تمام رمان‌نویس‌هایی باشد که یاد بگیرند متن کامل چیزهایی که دنبالش می‌گردند را بخوانند و اگر اشتباه می‌کنند اشتباهشان بامزه باشد.»

بوین ۴۹ ساله هم با روحیه خوبی با این آشکارسازی برخورد کرد و گفت قصد ندارد این بخش از کتاب را عوض کند اما «لدا» را به صفحه رفرنس‌های نسخه فیزیکی کتابش اضافه می‌کند، و این در حالی است که در تمام طول عمرش یک بار هم بازی کامپیوتری انجام نداده است.

بوین که ایرلندی است در توییتر در پاسخ به شوارتز گفت: «همینطور که هست می‌گذارم باشد. به نظر من خیلی بامزه است و کاملاً درست می‌گویی. یاد نمی‌آید، حتماً گوگل کرده بودم. بعضی مواقع آدم باید دست‌هایش را بالا ببرد و بگوید اشتباه من بود» و اضافه کرد: «پدداشت به خود: هرگز دوباره در یک رمان درباره مسموم کردن صحبت نکن.»

«دانشنامه صحیفه سجادیه» منتشر شد

کتاب «دانشنامه صحیفه سجادیه» به همت جمعی از مؤلفان زیر نظر حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر محی‌الدین بهرام محمّدیان با هدف آشنایی جوانان و دانشجویان به موضوعات معرفتی و تربیتی برگرفته از نیایش‌های امام علی‌بن‌الحسین (ع) در انتشارات مدرسه منتشر شد.
این کتاب شرح و تبیین مفاهیم ومضامین موجود در نیایش‌ها و مناجات‌های امام سجاد (ع) در صحیفه است که در قالب مقالات متعدد تدوین برخوردار است. پیش از این بیش از ۸۰ شرح بر این مناجات‌ها نوشته شده است. اکثریت این ترجمه‌ها و شرح‌ها، عالمانه و قابل ستایش است و هر کدام بخشی از معارف این کتاب شریف را برای خوانندگان خود تبیین و توضیح داده‌اند. اما کتاب حاضر همچنان که از نامش پیداست در قالب دانشنامه و فرهنگنامه برای جوانان تدوین شده، به همین دلیل هم صبغه تربیتی مخاطب توجه شده است. همچنین نگارش ساده و روان این کتاب کمک می‌کند تا عموم علاقمندان به معارف اهل بیت (ع) نیز بتوانند از آن استفاده کنند.

کتاب «دانشنامه صحیفه سجادیه» دارای ۳۵۰ مقاله کوتاه، متوسط، بلند و مفصل است که موضوعات متعددی همچون شخصیت‌های تاریخی مرتبط با صحیفه، اسناد و روایان، مستدرکات، مترجمان و شارحان برگرفته از نیایش‌های امام سجاد (ع) را در خود جا داده است.
«دانشنامه صحیفه سجادیه» ۵۵۶ صفحه و شمارگان ۵۰۰ نسخه در فروشگاه‌های انتشارات مدرسه و همچنین فروشگاه آن لاین مدرسه در دسترس مخاطبان قرار دارد.